

رکوردداران افزایش دستمزد در اروپا



در حالی که یک‌سوم کشورهای اروپایی با کاهش دستمزد واقعی نسبت به سال ۲۰۲۱ مواجه هستند، ترکیه، مجارستان و لهستان، بیشترین افزایش دستمزد واقعی را در پنج سال گذشته تجربه کرده‌اند. به گزارش ایسنا، طبق گزارش چشم‌انداز اشتغال ۲۰۲۶ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، بحران‌های پیاپی از جمله همه‌گیری ویروس کرونا، جنگ روسیه و اوکراین، افزایش شدید نرخ انرژی و جهش تورم، فشار قابل توجهی بر درآمد خانوارهای اروپایی وارد کرده است.

نتایج این گزارش نشان داد دستمزد واقعی که تاثیر تورم را نیز در نظر می‌گیرد، در فاصله سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۱ تا سه‌ماهه نخست ۲۰۲۶، در یک‌سوم کشورهای اروپایی مورد بررسی، کاهش یافته و هنوز به سطح پیش از بحران بازنگشته است. داده‌های ۲۷ کشور اروپایی نشان می‌دهد دستمزد واقعی در ۹ کشور طی این دوره افت کرده است. آندریا باسانینی، ویراستار گزارش چشم‌انداز اشتغال سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اظهار کرد: پیامدهای بحران هزینه‌های زندگی در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ همچنان در سال ۲۰۲۶ بر بازار کار سایه انداخته است.

وی توضیح داد که تجدید توافق‌های دستمزدی در بسیاری از بخش‌ها با تاخیر انجام می‌شود و به همین دلیل افزایش دستمزدها نتوانسته کاهش قدرت خرید ناشی از تورم را به طور کامل جبران کند. با این حال، حداقل دستمزدهای قانونی در بسیاری از کشورها تقریباً همگام با افزایش قیمت‌ها رشد کرده‌اند.

ایتالیا، بیشترین افت دستمزد واقعی را با کاهش ۶.۱ درصدی تجربه کرده است. رونالد جانسن، اقتصاددان ارشد سابق کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا (ETUC) و کمیته مشورتی اتحادیه‌های کارگری (TUAC) دلیل این وضعیت را تاخیر بلندمدت در تمديد قراردادهای کاری، ضعف قدرت چانه‌زنی اتحادیه‌های کارگری، رشد اقتصادی پایین، بهره‌وری ضعیف و کندی افزایش دستمزدهای اسمی عنوان می‌کنند.

پس از ایتالیا، جمهوری چک با کاهش ۵.۸ درصدی و سوئد با افت ۴.۸ درصدی قرار دارند. دستمزد واقعی در دانمارک ۲.۱ درصد، اسپانیا دو درصد، اسلواکی، فنلاند، ایرلند و سوییس نیز بین ۰.۷ تا ۱.۴ درصد کاهش یافته و در مجموع منطقه یورو افتی معادل ۱.۸ درصد را ثبت کرده است. در مقابل، دستمزد واقعی در بلژیک بدون تغییر ماند و فرانسه و استونی افزایش ناچیز ۰.۱ درصدی را تجربه کردند.

ترکیه با رشد ۷۸.۶ درصدی دستمزد واقعی، بزرگ‌ترین استثنا در میان کشورهای بررسی‌شده محسوب می‌شود، هرچند اقتصاددانان تاکید کردند که این رقم تا حدی ناشی از پایین بودن سطح دستمزدها پس از بحران ارزی ۲۰۱۸ و افزایش‌های چشمگیر حداقل دستمزد پیش از انتخابات ۲۰۲۳ است و فقط به معنای بهبود پایدار سطح رفاه نیست. مجارستان نیز با رشد ۲۹.۸ درصدی و لهستان با افزایش ۱۶.۵ درصدی، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در منطقه یورو، لیتوانی با رشد ۱۴.۸ درصدی بهترین عملکرد را داشته است.

در میان پنج اقتصاد بزرگ اروپا، انگلیس با رشد ۳.۶ درصدی دستمزد واقعی، بهترین عملکرد را ثبت کرد. دستمزد واقعی در آلمان ۰.۹ درصد و در فرانسه ۰.۱ درصد افزایش یافت، در حالی که اسپانیا با کاهش دو درصدی و ایتالیا با شدیدترین کاهش مواجه شد.

یکی از مهم‌ترین عوامل عملکرد بهتر برخی کشورها در دستمزدهای واقعی، افزایش حداقل دستمزدهای قانونی است که در آلمان و انگلیس، به‌دنبال تصمیم دولت، بیش از نرخ تورم رشد کرده و در فرانسه و اسپانیا نیز تقریباً هم‌سطح تورم بوده است. یورونیوز گزارش کرد، به عقیده برخی کارشناسان، انعطاف‌پذیری نسبی نظام تعیین دستمزد در انگلیس و تداوم کمبود نیروی کار، موجب شد دستمزدهای اسمی در این کشور سریع‌تر از بسیاری از اقتصادهای منطقه یورو به افزایش تورم واکنش نشان دهند.

این گزارش همچنین یادآور می‌شود که آمارهای آن مربوط به سه‌ماهه نخست ۲۰۲۶ است و افزایش اخیر نرخ انرژی پس از جنگ تحمیلی علیه ایران را در بر نمی‌گیرد.

یادداشت

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

دلیل رأی دیوان عدالت درباره حقوق دولتی معادن



نقش فقه امامیه در تعارض قوانین

نکته حائز اهمیت اینکه قانونگذار در وضع قانون معادن، به‌صراحت به آراء فقهای امامیه استناد کرده است. فقهای امامیه نیز در این باره سه دیدگاه اصلی دارند:

گروه نخست قائل به تبعیت مطلق معادن از زمین هستند (مشهور متأخرین). ایشان با استناد به قاعده فقهی «التابع تابع» و نیز قاعده تسلط («المسلمون مسلطون علی اموالهم») معتقدند هر آنچه در زمین قرار دارد، تابع مالکیت زمین است و معدن نیز از این قاعده مستثنا نیست.

گروه دوم معادن را از انفال می‌دانند (همسو با اصل ۴۵ قانون اساسی). مستند اصلی این گروه، روایاتی است که معادن را جزء انفال و در اختیار امام یا حکومت اسلامی معرفی

کرده است. از نگاه ایشان، معادن به‌عنوان ثروت‌های عمومی، قابل تملک خصوصی نیستند و حاکمیت شرعی بر آنها اعمال می‌شود. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله نیز با صراحت بر این دیدگاه تأکید کرده و معادن را از انفال و متعلق به دولت اسلامی دانسته‌اند و حتی در بحث خمس، بین معادن واقع در زمین شخصی و عمومی تفکیک قائل نشده‌اند که نشان‌دهنده نگاه مستقل ایشان به مالکیت معادن است.

گروه سوم میان معادن ظاهری (سطحی) و باطنی (عمیق) تفکیک قائل شده‌اند. بر اساس این نظریه، معادنی که در سطح زمین یا عمق عرفی آن قرار دارند، تابع ملک شخصی هستند، اما معادن عمیق و بزرگ‌مقیاس که استخراج آنها نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و دانش فنی ویژه است، از شمول انفال یا مشترکات عمومی به شمار می‌روند.

در عمل، قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ با پذیرش نظریه تفصیلی، سعی در ایجاد تعادل میان این سه دیدگاه داشته است. به‌این‌ترتیب که تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون مذکور، سنگ لاشه ساختمانی و سنگ‌های تزئینی و نما را که در عمق عرفی زمین شخصی قرار دارند، ملحق به ملک دانسته و از شمول انفال خارج کرده است. اما قانونگذار نسبت به سایر معادن از جمله شن، ماسه و خاک رس، سکوت اختیار کرده است؛ سکوتی که زمینه را برای تفسیرهای متفاوت و صدور بخشنامه‌های یکسان‌انگانه از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت فراهم ساخت.

این سکوت قانونی بویژه از آن جهت چالش‌برانگیز شد که وزارتخانه با استناد به اصل ۴۵ قانون اساسی و اطلاق واژه «معادن»، بدون تفکیک میان انواع مختلف معادن، کلیه آنها را مشمول انفال و در نتیجه مستحق اخذ حقوق دولتی دانست. در حالی که بر اساس نظریه تفصیلی فقهای امامیه و نیز رأی اخیر دیوان عدالت اداری، معادن سطحی و کوچک که عرفاً جزو لواحق زمین محسوب می‌شوند، نمی‌توانند در حکم انفال قرار گیرند و اخذ حقوق دولتی از آنها فاقد مبنای شرعی است.

وجه ممتاز این رأی، استناد مستقیم آن به نظریه فقهای شورای نگهبان است. مطابق ماده ۸۷ قانون دیوان عدالت اداری، هرگاه فقهای شورای نگهبان مصوبه‌ای را از حیث شرعی مغایر موازین اسلام بدانند، هیأت عمومی مکلف به تبعیت از آن نظر است. فقهای شورای نگهبان نیز در این پرونده تصریح کرده‌اند که اخذ حقوق دولتی از معادنی که عرفاً تابع ملک اشخاص هستند، فاقد مبنای شرعی است. به همین دلیل، دیوان عدالت اداری نیز اطلاق بخشنامه‌های وزارت صمت را در این قسمت باطل اعلام کرد.

سید عابدین موسوی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی



گاهی یک رأی قضایی، فراتر از حل یک اختلاف میان دو طرف دعوا، مسیر تفسیر قانون را تغییر می‌دهد و آثار آن بر سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری و امنیت حقوقی یک

بخش اقتصادی سال‌ها باقی می‌ماند. رأی شماره ۸۲۵۵۲۸/۱۴۰۵/۳۱۳۹۰۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در دوم تیرماه ۱۴۰۵ صادر شد، از همین جنس آرای ماندگار است؛ رأیی که نه تنها ۱۸ بخشنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت را در بخشی از مفاد آنها ابطال کرد، بلکه یکی از قدیمی‌ترین مناقشات حقوق معدن را نیز وارد مرحله‌ای تازه ساخت.

این رأی که به درخواست دو تن از شهروندان صادر شده، به ابطال اطلاق بخشنامه‌هایی انجامیده است که طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱، مالکان معادن شن، ماسه و خاک رس واقع در املاک شخصی را ملزم به اخذ مجوز و پرداخت حقوق دولتی می‌کردند. آنچه این رأی را از سایر آرای مشابه متمایز می‌کند، تأکید بر جنبه شرعی موضوع و تبعیت از نظریه فقهای شورای نگهبان است؛ امری که در نظام حقوقی ایران، ضمانت اجرایی ویژه و الزام‌آور برای دستگاه‌های اجرایی ایجاد می‌کند.

اصل موضوع چه بوده؟ آیا معادن سطح زمین، تابع ملک شخصی‌اند؟

شاکیان با استناد به صراحت قانون معادن (به‌ویژه فرارز پایانی ماده ۲..... اعمال حاکمیت مذکور در این ماده مانع اعمال مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده قوانین و مقررات نیست) و نیز نظرات چندباره فقهای شورای نگهبان، استدلال کرده‌اند که «معادنی که در سطح زمین قرار دارند، عرفاً جزو ملک شخصی محسوب می‌شوند و از شمول انفال خارج‌اند». از دیدگاه ایشان، اصرار وزارتخانه بر اخذ حقوق دولتی از این معادن، نه‌تنها با قانون بلکه با قاعده فقهی «المسلمون مسلطون علی اموالهم» (سلطه مالک بر اموال خود) نیز سازگار نیست.

وزارت صنعت، معدن و تجارت در دفاعیات خود، با استناد به اصل ۴۵ قانون اساسی و مواد متعدد قانون معادن، بر حاکمیت دولت بر همه معادن تأکید کرده و معتقد بود که فقط معادن سنگ‌های تزئینی و نما تا عمق عرفی، از پرداخت حقوق دولتی معاف هستند.

موضوع اختلاف، اخذ «حقوق دولتی» از معادن شن، ماسه و خاک رس واقع در املاک شخصی بود؛ موضوعی که طی سال‌های گذشته همواره محل اختلاف میان مالکان اراضی، بهره‌برداران معادن و وزارت صنعت، معدن و تجارت محسوب می‌شد. دیوان عدالت اداری با استناد به نظریه فقهای شورای نگهبان اعلام کرد که اگر معدنی عرفاً تابع ملک شخصی باشد، مطالبه حقوق دولتی از آن، خلاف موازین شرع است و اطلاق بخشنامه‌های مربوط در این قسمت اعتبار قانونی ندارد.

در نگاه نخست، شاید این رأی صرفاً یک تصمیم درباره پرداخت یا عدم پرداخت حقوق دولتی تلقی شود، اما در واقع اهمیت آن بسیار فراتر از یک موضوع مالی است. این رأی به یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های حقوق عمومی پاسخ می‌دهد؛ اینکه مرز اختیارات حاکمیت بر منابع معدنی تا کجاست و حقوق مالکانه اشخاص از چه نقطه‌ای آغاز می‌شود.

نظام حقوقی ایران در خصوص مالکیت معادن، سه رویکرد متفاوت را تجربه کرده است که هر یک ریشه در آرای فقهی خاصی دارند:

- رویکرد انفال (عمومی): اصل ۴۵ قانون اساسی، معادن را جزو انفال و ثروت‌های عمومی می‌داند که در اختیار حکومت اسلامی است. این رویکرد، متأثر از نظریه برخی فقهای امامیه است که معادن را از آن امام و حکومت اسلامی می‌دانند.

- رویکرد شخصی (خصوصی): ماده ۱۶۱ قانون مدنی صراحت دارد که «معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد، ملک صاحب زمین است». این ماده که ریشه در فقه مشهور امامیه (مشهور متأخرین) دارد، مالکیت معادن را تابع مالکیت زمین می‌داند، هرچند استخراج را تابع قوانین خاص معرفی کرده است.

- رویکرد تفصیلی (انتخاب قانونگذار در قانون معادن): تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷، رویکردی میانه اختیار کرده و صرفاً سنگ لاشه ساختمانی، سنگ‌های تزئینی و نما را که در عمق عرفی زمین شخصی قرار دارند، ملحق به ملک دانسته و نسبت به سایر معادن (شن، ماسه و خاک رس) سکوت اختیار کرده است. این سکوت قانونی، منشأ اصلی اختلافات و صدور بخشنامه‌های مورد شکایت بوده است.